

بررسی رابطه بین عوامل شخصیتی با مهارت حل مسئله در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

گلبرگ اندیشه فر^۱، دکتر آمنه سادات کاظمی^۲

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه روانشناسی، تهران، ایران
^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران (نویسنده مسئول) sadat.kazemi@yahoo.com

چکیده

هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین عوامل شخصیتی با مهارت حل مسئله در بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران بود. بدین منظور ۳۰۶ نفر از دانشجویان این دانشگاه (۱۵۳ زن و ۱۵۳ مرد) ۱۸ تا ۴۵ ساله به صورت نمونه گیری تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه‌های شخصیتی NEO-FFI (فرم کوتاه) کاستا و مک کری (۱۹۹۲) و مهارت حل مسئله کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) بر روی آنها اجرا شد. داده‌ها با استفاده از آزمون معناداری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد از میان عوامل شخصیتی بین روان رنجورخویی با مهارت‌های سازگاران حل مسئله رابطه منفی و معنی دار و بین برون‌گرایی، گشودگی، توافق و وظیفه‌شناسی با مهارت‌های سازگاران حل مسئله رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد ($P < 0/01$). در مجموع و با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های شخصیتی قادر به پیش‌بینی مهارت حل مسئله می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

عوامل شخصیتی، مهارت حل مسئله، دانشجویان.

مقدمه

مسئله را می‌توان به عنوان یک موقعیت مجهول در نظر گرفت. زمانی که یادگیرنده با موقعیتی روبرو می‌شود که نمی‌تواند با استفاده از اطلاعات و مهارت‌هایی که در آن زمان در اختیار دارد به آن موقعیت سریعاً پاسخ درست بدهد یا وقتی که هدفی دارد و هنوز راه رسیدن به آن را نیافته است، با مسئله مواجه شده است (سیف، ۱۳۸۶). در تعریفی دیگر بیان شده است که حل مسئله، راهبرد مقابله‌ای مهمی است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تئیدگی و نشانه‌شناسی روانی را کاهش می‌دهد (دزوریل و کسیدی، ۱۹۹۲). به نقل از آقاییوسفی و شریف، ۱۳۹۰. همچنین حل مسئله، مستلزم راهبردهای هدفمندی است که فرد به وسیله‌ی آنها مشکلات را تعریف می‌کند، تصمیم به اتخاذ راه حل می‌گیرد، راهبردهای حل

مسئله را انجام داده و بر آن نظارت می‌کند (الیوت، شوچوک و ریچارد، ۱۹۹۹). به نقل از آقاییوسفی و شریف، ۱۳۹۰. گانیه نیز حل مسئله را یادگیری در سطح بالاتر تعریف کرده است (گانیه، ۱۹۸۵). به نقل از سیف، ۱۳۸۶. جهت‌گیری نسبت به مسئله، اشاره به چگونگی توجه افراد به مسائل در محیط اطراف آنها دارد و تا حدودی الگوی شناختی - هیجانی ثابتی که افراد نسبت به مسائل زندگی خود دارند و چگونگی ارزیابی آنان از ظرفیت‌های حل مسئله‌ای خود را نشان می‌دهد (دزوریل و نزو، ۲۰۰۱). با توجه به این تعاریف، حل مسئله یک فرایند است که در آن فرد تلاش می‌کند که پاسخ مسائل خود را کشف نماید. این فرایند چند مرحله‌ای موجب می‌شود که فرد از تمایل به یافتن راه حل‌های ناگهانی و سریع صرف نظر کرده و مراحل ساختار یافته و هدفمند را دنبال کند. یکی از عواملی که به نظر می‌رسد با مهارت حل مسئله رابطه داشته باشد، ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد.

به نظر اتکینسون و هیلگارد، شخصیت عبارت است از الگوهای معینی از شیوه‌های تفکر که نحوه‌ی سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کنند. تعدادی از محققان شخصیت را مجموعه صفاتی که با ثبات نسبی وجود دارد و به دیگران اجازه می‌دهد تا بتواند رفتار او را از دیگران متمایز سازند، توصیف کرده‌اند (فراهانی، ۱۳۸۸). بسیاری از روانشناسان معتقدند ساخت اصلی شخصیت آدمی از طریق پنج صفت کلی، نشان داده می‌شود. از نظر مک کری و کاستا پنج عامل شخصیتی عبارتند از: روان رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق و وظیفه‌شناسی (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). پنج عامل مذکور طی تحول فرد نسبتاً پایدار می‌مانند.

روان رنجورخویی به معنای گرایش به تجربه‌ی هیجانی و خونسردی است. برون‌گرایی بیانگر وجود رویکردی پر انرژی به جهان مادی و اجتماعی در فرد است که ویژگی‌هایی مانند مردم‌آمیزی، فعال بودن، قاطعیت و جرأت را شامل می‌شود. در مقابل، انعطاف‌پذیری، تجربه‌ی توصیف‌کننده‌ی گستردگی، عمق، پیچیدگی و خلاقانه بودن زندگی ذهنی و تجربه‌ای فرد در مقابل داشتن ذهنی بسته است. توافق نشانگر جهت‌گیری اجتماعی و جامعه‌پسند در مقابل نگرش